

دکتر رضیه اکبر

رئیس بخش فارسی دانشگاه عثمانیه

نفوذ زبان و ادبیات فارسی

در

قلمرو قطب شاهی (هند جنوبی)

۲

روح الامین

دیگر از گویندگان مشهور این زمان اول روح الامین را باید نام برد. او شاعری است بلند طبع و صاحب قریحه که در فنون ادب و سخن سنجی دستی قوی داشته بر طبع سخن ساز خود هم می نازد و می گوید :

شود ز نظم تو روح الامین سخن زنده
مگر زبان تو هم مشرب مسیحا شد

نامش محمد امین و روح الامین تخلص می کرده - از سادات معتبر اسفهان بود در سال ۱۰۱۰ هجری از راه عراق به حیدر آباد دکن رسید و در دربار محمد قلی قطب شاه تا مدت ده سال منصب « میرجملگی » داشته است. نزد شاه قربت و مکانت زیاد داشت - صاحب تاریخ محمد قطب شاهی می نویسد .

د به حکم سابقه تأیید الهی ذات حمیده صفات اختر برج سعادت میرزا محمد امین که به وفور کامرانی و اصابت رأی از همگنان ممتاز بود و منظور انظار خاقان زمان گردید قامت قابلیتش به خلعت وزارت و جمله - الملکی آرایش یافت ، (ص ۲۶۱) .

از دیوان اشعارش به نام «گلستان ناز» نسخه‌ای نادر در کتابخانه سالار جنگ محفوظ مانده از دیباچه که در آغاز این نسخه خطی است چنان بر - می‌آید که این دیوان پنج هزار بیت داشته و این پنج هزار بیت که هر بیتش ابروی مهوشان را تمثال و نقاطش روی مه طلعتان را خدوخال است ، این پنج هزار بیت تمام غزل که موسوم شد به «گلستان ناز» اکثرش از نتایج بیان این اعجمی زبان در عنفوان شباب و عهد صبا است .

نسخه‌ای دیگر از آن در کتابخانه موزه بریتانیه است - نیز در کتابخانه انتیاتیک سوسایتی بنگال و چندین کتابخانه‌های تهران نیز نسخه‌های قدیم این دیوان شعر موجود است علاوه بر «گلستان ناز» دیگر پنج تا مثنوی - هائی است که بنا به قول تذکره نویسان از او یادگار مانده و هنوز به صورت نسخ‌های خطی و متعدد کامل و ناقص در کتابخانه سالار جنگ هند و کتابخانه‌های مختلف ایران موجود است .

روح الامین شاعری است که برای خوانندگان ایرانی و دوستداران شعر در ایران و هند هنوز ناشناخته مانده است ولی ما اینجا ذکرش را کوتاه می‌کنیم برای اینکه آقای سید اختر حسن مدیر سابق روزنامه «پیام» در باره او مقاله پر حاصل نوشته‌اند و به چاپ رسیده است - نویسنده محترم درین مقاله به طور شایسته و مستوفی اطلاعات مهم در دسترس گذارده‌اند. و علاقمندان را به آن مقاله حواله میدهم.

میر محمد مؤمن استرآبادی

ازسادات معروف استرآباد بود خانواده وی ازفضای و درگار محسوب می‌شد - در سال ۹۸۹ هجری به گولکنده رسید - وی مردی فاضل پر کار و

هنردوست بود - در هنر و اخلاق در هر دو کمال داشته بعلاوه علم و فضل بر رموز سلطنت نیز وقوفی تمام داشت و تا مدتی در دولت قطب شاهیه به تکفیل مهمات دیوانی به طور پیشوائی سلطنت بسر آورده خدمات برجسته‌ای نمود - در دربار محمد قلی قطب شاه اعزاز و مرتبه خاص داشت - می‌گویند سلطان محمد قلی قطب وی را از همه سرداران بزرگ عزیزتر و محترم‌تر می‌داشت هیچیک از سرداران با او در مقام و مرتبت برابر نبودند - وی مشاور نزدیک - ترین سلطان بود - همواره با وی انیس و جلیسی بوده تقریباً تا پنجاه سال شخصیت جاذب وی در دنیای علم و ادب دکن تأثیری بسزا داشته است .

وی نسبت به علماء و اهل فضل و ادب اعزاز و احترام فوق‌العاده نموده و در جود و بخشش انگشت‌نما بود در ترویج عقاید شیعه نیز سهمی بزرگ داشت - مردی خوش‌سلیقه، مهمان‌نواز و گشاده‌سفره بود - تمام عمر خود را وقف آفرینش و پرورش هنر کرد - علاوه بر فن معماری به شاعری و نثرنگاری به هر دو اشتغال داشت - آثاری که از این مرد فاضل در طول مدت پنجاه سال وزارت و مدیریت از قلم سحرانگیز و توانای او تراوش کرده بسی نادر و مهم است - « رساله مقدماتیه » کتابی در علم طب از اوست - نیز رساله عروض و کتاب حجت ، در نثر فارسی از او یادگار مانده - در نظر مصنف عالم - آرای عباسی ، رساله عروض میر مؤمن در این فن از مهم‌ترین کتاب‌های نثر فارسی آن دوره است (مآثر قطب شاهی ص ۲۲) چنانکه گفتیم وی در شاعری نیز دست داشت - دیوان اشعارش که امروز تنها نسخه‌ای از آن در کتابخانه اندیا آفس باقی است شامل غزل، رباعیات، قصائد و مرثی است مؤلف جداً السلاطین می‌نویسد :

« حضرت میر بی عدیل و نظیر قصاید و غزلیات خوب و رباعیات مرغوب نظم نموده و دیوانی دارد مملو از اشعار بلاغت شعار » .

از قرائن چنان برمی‌آید که تا زمان آصف جاه ثانی نسخه‌ای از این دیوان شعر میر مؤمن در حمید آباد دکن هم وجود داشته ولی متأسفانه امروز از نسخه قدیم (که بنا به قرائن قوی خود در زمان وی کتابت شده) اثری در دست نیست

و تنها نسخه‌ای که داریم همان نسخهٔ اندیا آفس است .

هنوز کسی دربارهٔ این دانشمند معروف دورهٔ قطب شاهیه چنانکه شاید چیزی ننوشته و در صدد تحقیق و کاوش در آثار وی برنیامده است .

حاجی ابرقوی

از متوسلین محمد قلی قطب شاه بود . نسخه‌ای خطی از دیوان شعرش در کتابخانهٔ ملی تهران موجود است آقای دکتر نذیر احمد رئیس شعبهٔ فارسی دانشگاه علیگره آن را دیده و در مقالهٔ مختصر دربارهٔ آن اظهار نظر نموده‌اند لذا اینجا از ذکر وی خودداری می‌کنیم .

مسیح یا مسیحای کاشی

نام رکن‌الدین مسعود - از بعضی از نوشته‌ها چنان بر می‌آید که در زمان محمد قلی قطب شاه به حیدرآباد آمد ولی با دربار هیچ وابستگی نداشت - شاعری بود بلند پایه و هم ماهر در فن پزشکی - در آخر عمر به ایران مراجعت نمود و در سال ۱۰۵۵ هجری وفات یافت .

اقسوس که در تذکرها و تاریخ‌ها زندگانی وی به قدری مجهول است که با جدیتی که در شناسائی این شاعر غیر معروف به عمل آمد نتیجه‌ای حاصل نشد .

اخیراً ترجمهٔ راماتن در فارسی در کتابخانهٔ شخصی آقا طاهر علیخان مسلم (حیدرآباد دکن) از نظر بنده گذشت نام مؤلف یا مترجم آن معلوم نیست - تنها دو سه جا بر حاشیه و در بعضی از اشعار « مسیحا » تخلص آمده بنابراین امکان دارد مترجم آن همین مسیحای کاشی باشد - نسخه‌ای از این کتاب دیگر نمی‌شناسیم - بررسی درین زمینه ضرورت بسیار دارد .

فرسی

حسن بن علی الفرس از مورخین معروف دربار محمد قلی قطب شاه بود - ماجراها و پیروزی‌های قطب شاهیه که از زبان سلطان قلی قطب‌المک

تا اوائل عهد محمد قلی قطب شاه را باز می گوید ، به نظم آورده به طرز و بحر شاهنامه فردوسی به نام « نسب نامه » .

اکثر تذکره نویسان و مورخین در باره وی هیچ نمی گویند تنها در ریاض الشعراء (ص ۳۳۰) ذکر مختصری از او آمده و اشعاری چند از « نسب نامه » اش نقل شده .

از بعضی نوشته های دیگر چنان برمی آید که سال تصنیف این منظومه ۱۰۱۶ هجری است و آن بر چهار مقالات مشتمل بوده - کم و بیش بیست هزار ابیات داشته ولی نسخه ای از این « نسب نامه » که در کتابخانه سالار جنگ محفوظ مانده است کاملاً رنگ و رو رفته - بسیاری از کلمات بعلت کهنگی محو شده نیز از لحاظ حجم ناقص و جزوی از اصل به نظر می آید البته می گویند در اندیا آفس نسخه ای از آن مکمل تر می باشد از نام « تواریخ قطب شاهی » نسخه دیگر در کتابخانه ایشیا تک سوسائتی بنگال است باید تحقیق کنندگان در صدد بررسی آن بر آیند .

چنانکه قبلاً هم اشاره کردیم تعداد گویندگان و نویسندگان فارسی زبان که درین دوران محمد قلی قطب شاه زیسته اند خیلی زیاد اند و درین نوشته جای آن نیست که درباره همه بحث نمائیم لذا فکر می کنیم آنچه گفته شد بتواند لااقل اندکی از اهمیتی را که زمان محمد قلی قطب شاه در توسعه و رواج زبان و ادب فارسی داشته ، نمایان سازد .

محمد قطب شاه (۱۰۲۰ تا ۱۰۳۵ هجری)

بعد از وفات محمد قلی قطب شاه دامادش محمد قطب در سال ۱۰۲۰ هجری به سلطنت دکن رسید .

این فرمانروا نیز به اعتبار توجه به زبان و ادب فارسی و پاس حرمت شاعران و نویسندگان معروف است وی در آبادی و توسعه شهر حیدرآباد سعی فراوان نمود و در برقراری سنت های دوره محمد قلی قطب شاه هم نام آور شد - دربارش نیز مجمع فضلاء و شعرا بود که از فارس ، عراق ،

خراسان و هند شمالی به دربار او روی می‌آوردند و اشتغال اهل دکن به زبان‌وادب فارسی به نحو روزافزون رایج بود. در زمان وی حسن معاشرت و لطف گفتار و کردار در مجامع و محافل به حد اعلی رسید.

خود شاه درطبع شعرا متیاز خاص داشت ولی علاقه‌اش به علوم دیگرمانند فلسفه و تاریخ زیاد بود در عین حال صاحب دیوان است. اشعار وی همه عارفانه، بسیار نغز و پرمعنی است در هر دو زبان فارسی و اردو (دکنی) مهارت داشته. در فارسی اولاً ظل‌الله ببدأ سلطان تخلص می‌کرد. نسخه‌ای از دیوان فارسی به نام «دیوان ظل‌الله»، در کتابخانه سالار جنگ محفوظ است. این نسخه خیلی خوش خط، مطلا و مذهب مشتمل بر پنجاه و پنج صفحه است، یک صد و هفتاد و هفت بیت، دوازده رباعی دارد. از مطالعه آن چنان برمی‌آید که در غزل گفتن از طرز حافظ شیرازی متأثر بوده در نشر فارسی نیز چند کتاب به او منسوب می‌کنند.

تعداد نویسندگان و گویندگان این زمان نیز خیلی زیاد است.

حسین آملی، ملا عبدالحکیم، سید کمال‌الدین مازندرانی، زین‌العابدین بدخشی، قاضی جلال‌الدین شیرازی، تقی‌الدین محمد بن صدرالدین علی، سید محمد مرتضی مجدالدین، محمدشاه، قاضی عشرتی، یزدی، علی گل استرآبادی، میرمؤمن ادائی یزدی، قباد بیگ کویکی، سید مراد اسفهانی، حکیم رکناکاشی و بسیاری دیگر را می‌توان از این دوره نام برد که از نویسندگان و شاعران نامی فارسی زبان بشمار می‌روند.

گذشته از شعر عاشقانه یا غزل‌سرائی داستان‌های عاشقانه منظوم نیز درین زمان فراوان ساخته شده، از آن جمله قصه امیرحمزه حائز اهمیت و اعتبار مخصوصی می‌باشد که نسخه‌ای خطی از آن در کتابخانه ادبیات اردو (حیدرآباد) باقی مانده. مصنف آن مراد اسفهانی است سوانح امیرحمزه را به طرز خیلی جالب نظم نموده است.

در نشر فارسی نیز این دوره خیلی غنی است یکی از آثار گرانقدر و

معتبر عمر سلطان محمد قطب شاه تاریخ محمد قطب شاهی است که از جامع ترین تواریخ مربوط به دکن بشمار می آید و در تمام تاریخ های دوره قطب شاهیه اولین مأخذ معتبر می باشد - متن فارسی آن که در کتابخانه سالار جنگ موجود است دارای دیباچه مفصل است از این دیباچه معلوم می شود که صاحب تاریخ در فضل و دانش شهره روزگار بود و یکی از مشاهیر ادبای زمان محسوب می شد .

از لحاظ تعبیرات دلکش ادبی ، شیرین و لطیف و سلیقه و رسائی طبع نویسنده این تاریخ ارزش ادبی زیادی دارد طرز نگارش آن خیلی جالب است - می توان گفت از لحاظ زبان و انشاء در تاریخ های ادبیات فارسی معانی بلند دارد - نویسنده بزرگ از احوال و آثار و اشعار دیگر شاعران نامدار آن عصر نیز کتاب را زینت داده است - از آن گذشته اطلاعات نادر و سودمندی از وضع اجتماعی حیدرآباد آن زمان نیز دربر دارد - ولی خیلی جای تأسف است که مورخان و تذکره نویسان در شرح احوال وی چیزی ننوشته اند .

از جمله شاعران نامدار این دوره که در بالا متذکر شدیم باید ادائی یزدی را به طور اختصار اینجا ذکر نمود که در نظر من وی شاعری است منفرد ، آزاد مشرب و روشنفکر - زندگی او داستان يك روح بیقرار است در سال ۱۰۳۰ هجری به حیدرآباد دکن رسیده - سلطان محمد قطب که مردی شعر دوست و هنرشناس بود از او قدردانی نمود تا شهرت او پا گرفت . بسیاری از تذکره نویسان او را شاعری فصیح البیان نامیده اند اما افسوس که دیوان او از میان رفته است از آثار تراوش فکری او تنها اشعاری باقی مانده که بعضی تذکره نویسان نقل نموده اند - همین اشعارش حالا بهترین معرف اوست از مطالعه آن می توان حدس زد که گوینده مذکور شاعری است بزرگ صاحب افکار و خوش قریحه - بلاغت شاعرانه را باجزالت حکیمانه جمع کرده است .

عبدالله قطب شاه

پس از مرگ سلطان قطب شاه پسرش سلطان عبدالله قطب در سن بیست و دو سالگی به سلطنت دکن رسید - مدت سلطنت وی چهل و هشت سال بود ولی در این طول مدت به طوری که می‌دانیم روابط هند شمالی و هند جنوبی بیش از پیش آشفته می‌گردید و دولت قطب شاهیه روبزوال می‌رفت اما در این دوره ضعف سلطنت و انحطاط نیز در دنیا شعر و سخن فارسی تنزل و انحطاط به نظر نمی‌رسد - با این که حشمت و جلال و آرامش دوره‌های پیش از دست می‌رفته بود لیکن اهالی دکن علاقه به شعر و ادب راهمچنان در دل نگهداشته بودند .

سلطان عبدالله قطب مردی فرهنگ دوست خوش قریحه ، خوش خلق ، پرکار و علاقمند به تحقیقات تاریخی و ادبی بود جمع کثیری از دانشمندان را گرد آورده و آنان را به تألیف ترجمه کتابهای زیاد واداشت .

مؤلف حدائق السلاطین درباره او می‌نویسد :

« باوجود کثرت مشاغل هر صبح از وجود ارباب دانش و از قضاة و علماء و فضلاء و شعراء و اهل استعداد و کمالات به افاده و افاضه علوم منقول و غیره مشغول می‌باشند و شب نیز بعد از صرف سفره تمام مجلس افاده و استفاده منعقد می‌یابد و روزهای سه‌شنبه که روز تعطیل است باشعراى فصاحت‌شعار و مردمان بلاغت آثار از عرب و عجم دیوان منمبی و دیوان خاقانی و انوری و مثنوی مولوی یا کتب مشروح و دواوین دیگر از شعراى نامدار در میان آورده صحبت مسوفی می‌دارند » (ص ۱۲۸) .

می‌دانیم کتابهای بسیار مفید به تشویق و خواهش او تألیف گردیده و در زمان وی توأم با شعر و سخن علوم مختلف مانند ریاضی ، نجوم تاریخ و غیره رواج زیاد یافت .

شیخ محمد ابن خاتون‌العاملی از دانشمندان معروف این دوره بشمار می‌روند - تألیفات و تصنیفات از ایشان در کتابخانه‌های مختلف دکن هنوز وجود دارد .

لغت معروف از ملا محمدحسین خلف التبریزی المتخلص به برهان هم درین زمان تألیف شده - این مؤلف « برهان قاطع » از عالمان و محققان چیره دست بشمار می رود - علاوه از زبان فارسی در چندین زبان دیگر هم مهارت داشته شعر نیز خوش می گفت - فرهنگ لغت او مکرر به طبع رسیده است .

الفتی ولد حسین ساوجی نزد عبدالله قطب شاه قربت و مکانت زیاد داشت - در مدح عبدالله قطب شاه چندین قصیده گرم هم نوشته - « روائح گلشن قطب شاهی » در فن سوانح اثری است از او بس مهم - در ذکر توصیف بناهای شاهی ، قصر و عمارات و باغات مانند « لعل محل » ، « چندن محل » ، « گکن محل » ، « سجن محل » ، « دروازه قدیم » و غیره منظومه های طویل و کوتاه از او یادگار مانده است .

یکی دیگر از کتابهای مهم این زمان کتابی نادر بنام « مجمع الامثال » است محمد علی جیل رودوی مؤلف کتاب امثال های فارسی را که زبانزد خاص و عام بودند جمع نموده از لحاظ حروف تهجی در یک صد و بیست و هشت ابواب ترتیب داده است - موضوعی که اهمیت این کتاب را افزون می کند این است که در ضمن توضیحات امثال بسیاری از وقایع تاریخی و حکایات لطیف هم گرد آورده است - نسخه های متعدد از آن در کتابخانه های مختلف محفوظ مانده است اما به نام های مختلف - مخطوطه برلن « جامع التمثیل » نام دارد - در کتابخانه رام پور « عجایب الامثال » است و در کتابخانه آصفیه (حیدرآباد) « مجمع الامثال » - این کتاب در بمبئی و تهران به طبع رسیده است .

علاوه بر این چند تن دیگر از نویسندگان و شاعران این زمان اهمیت و شهرتی زیاد دارند از آن جمله دانش مشهدی ، سالک یزدی ، محمد شاه جامی ، میر کاظم ، حسین کریم ، فرج الله شستری خیلی معروف هستند .